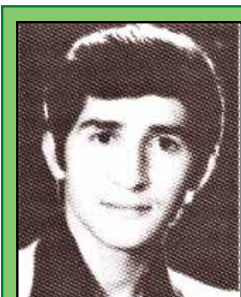


**چاپین**  
کسی را که مهبیای آموختن است، تعلیم ندادن ،  
انسانی را به هدر دادن است.  
کسی را که آماده آموختن نیست، تعلیم دادن ، سخن  
به هدر دادن است.  
خردمند نه انسان را به هدر می دهد نه سخن را.  
کنفسیوس

گفتم صنم پرست مشو با صمد نشین  
گفتا بکوی عشق هم این و هم آن کنند  
گفتم هوای میکده غم می برد زدل  
گفتا خوش آنکسان که دلی شادمان کنند  
( حافظ )

حضرت امیر المومنین علی (ع) در وصیتی به فرزندش امام حسین (ع)  
**پسرم! اندیشیدن نور پدید  
می آورد و غفلت ورزیدن ظلمت**



خداوند و رحمت او  
نیود معلوم نبود اکنون  
در چه منجلابی غرق  
شده بودم تا اینکه  
انقلاب و خونهای  
عزیزی که ریخته شد و  
فضل و کرم خدا بر این  
ملت و از همه مهمتر  
وجود چنین رهبر عزیز،

که جداً فضل بزرگ خدا باعث شد که من هم از این سفره  
الهی بهره ای ببرم و این همه نعمت شامل حال من  
شود. توصیه ای ندارم جز وصیت همه شهدا که قدر امام را  
و انقلاب و اسلام را بدانید و برای خدا قیام کنید و  
اخلاص، اخلاص، اخلاص که ریشه همه کارهاست. از  
همه حلالیت می طلبم و از همه معذرت می خواهم. در  
حق همه کوتاهی کرده ام که باید ببخشند به هر حال من که  
در این دنیا کار بهشتی انجام نداده ام. از خدا می خواهم که  
لااقل خون من هم در راه اسلام ریخته شود و بتوانم  
ضربه ای به دشمن بزنم از خدا خواسته ام که تا نکشم،  
کشته نشوم اگر چه در هر صورت در راه خدا بودن مهم  
است. از پدر و مادر مهربانم معذرت می خواهم و آنها را به  
صبر دعوت می کنم. امیدوارم که مرا ببخشند و حلال  
کنند. خدا به همه توفیق خدمت خالصانه به اسلام بدهد.

## در مکتب عشق

نام و نام خانوادگی: حسن ساده  
رشته تحصیلی و سال ورود: عمران ۱۳۵۵  
تاریخ و محل شهادت: ۶/۶/۲۳ شلمچه

وصیتنامه شهید:

اینک که در جمع یاران با صفایم قرار گرفته ام و خود را  
غرق در رحمت الهی می بینم امیدوارم مثل همیشه خداوند  
متعال منتی بر این بنده گناهکار گذارد و من را هم قبول  
کند. خیلی تنها شده ام. همه دوستان رفته اند و من با این  
دنیای فریبده مانده ام دیگر خجالت می کشم در این دنیا  
بمانم و بیش دوستان و عزیزان دنیایی برگردم. به هر حال  
سخت خوشحالم و امیدوارم به رحمت و فضل و کرم الهی  
که اگر من شهید شدم تمام گناهکاران و خطاکاران امیدوار  
باشند که رحمت خدا وسیع است و اگر توبه کنند و به  
سوی او روند، او با آغوشی باز از آنها با بهترین نعمتها  
پذیرایی خواهد کرد و راههایشان را به آنها نشان خواهد  
داد. آلدین جاهدوا فینا لنهیدینهم سینلنا بدانید که من یک  
بنده گناهکار و خطاکار و سرگردان بودم . اگر لطف



## پای صحبت بازنشستگان

**غلامعلی دانش پی، کارمند بازنشسته دانشگاه**

غلامعلی دانش پی به گفته خود ۷۸ سال دارد گرچه  
پدرش می گوید به خاطر اینکه دیرتر به سربازی برود دو  
سال شناسنامه او را کوچکتر گرفته است. دانش پی که به  
همراه آقایان عطااللهی و قلی زاده به مدت ۱۷ سال (در یکی  
از کارخانجات وابسته به وزارت علوم) خدمت می کرد. در

سال ۱۳۴۰ و در زمان ریاست دکتر مجتهدی به دانشگاه پلی تکنیک منتقل شد و تا زمان  
ریاست دکتر ماهیان در دانشگاه مشغول خدمت بود. کارگاه ماشین ابزار در دوره عمومی و  
تعدادی از کارگاههای انستیتو مکانیک سالهای سال به همت غلامعلی دانش پی دانشجویان  
بسیاری را تعلیم می داد. دانش پی در مورد دانشجویانی که به آنها تعلیم داده است می گوید  
اکثر آنها نظیر آقای دکتر نیکروش هنوز پس از سالها به ما اظهار لطف و محبت دارند.

او در مورد خاطراتش از دکتر جد بابایی (ریاست وقت پلی تکنیک می گوید به دلیل عدم  
وجود سرویس و دوری راه از میدان رسالت تا دانشگاه من هر روز با حدودی تاخیر به  
دانشگاه می رسیدم. که دکتر جد بابایی در محوطه دانشگاه می ایستادند و با نگاهی غضب آلود  
از من ساعت می پرسیدند تا اینکه نهایتاً من به ایشان گفتم باتوجه به عدم وجود سرویس و  
دوری راه مقداری تاخیر طبیعی است و مساله حل شد.

غلامعلی دانش پی که پس از ۳۲ سال خدمت با حقوق ۸۳۲۰۰ تومان بازنشسته شده  
است. مشکلات اقتصادی و به خصوص هزینه های بیماری همسرش را از عمده ترین  
مشکلات خود می داند او به دلیل وامی که چند سال پیش از صندوق بازنشستگی گرفته است  
ماهی یکبار به دانشگاه می آید دانش پی امیدوار است با حمایت دانشگاه و پیگیری های  
کانون بازنشستگان گامی هرچند کوچک در جهت حل مشکلات آنها برداشته شود.